

۳
مقدمه نشریه داخلی ۵
«بخش منتخب»

19

نقد شماره داهل شماره ۱۰

رفقا!

نقد زیر توسط رفیق باقیمانده کرزی داهل نوشته شده است که از آنجا

که بعضی از ساین مربوط به دوره گذشته کرزی داهل اشاره شده است لازم بود

با بیان خود این رفیق نطرح شود مخصوصاً آنکه رفیق دیگری که با این رفیق سکولیت

نخس داهل را در صحنه با همافزین بوده داشته است هم اکنون اینها نیست و بجا نظرات

مربوط به انتقاد گذشته افیر نظر رفیق نویسنده را ننکس می کند. ضمناً این نوشته

در فاصله آن بطور کلی در دستاورد ما نیز قرار دارد.

جمع شده تلفیق در هر دو صورت نخس داهل

مقدمه نشریه داخلی

به دنبال انتقاداتی که از طرف بسیاری از شما بنیاد رهبری نشریه داخلی از طرف
 مرکزیت سازمان و هیئت از آن مطلع شدند کمی سابقه رهبری، مرکزیت و محل آن
 لغزبان کمی از بهترین سبیل و سبیل حلقه اصلی بر فرد با سبیل این مرحله، رهبری بخش
 داخل بر آن شده که رفتار در بعضی رؤس سبیل در شکلات فعلی سازمان سبیل
 که با آن سروکار داریم، اطمینانی که وجود دارد، راه حل‌هایی که در بر فرد با برقی از این
 سبیل پیاده شده و یاد در نظارت، قرارداد تا زمینه لازم در بر فرد حلال با
 این سبیل برای کلیه رفتار فراهم شده در راه حل‌ها و پیش‌بینی‌ها و آن‌ها ناظر بر واقعیتها
 و سبیل در شکلات بر فرد باشد. این سبیل که آنه؟ استراتژی، بر فرد و لیکن از
 البته اشاره کنیم *

(۱) - در دوران ادوکلری تضادهای درون سازمانی و بروز فرایندی که

(*) - منظور ما در رسم اول از طرح این تقصیه در بعضی قراردادان هرمان و قیاس است
 و نه اینکه فرض درست یا نادرست بودن رفته کار.

بنام "اخلال طلی" نامیده شد و پس بر فرورداد و پدای که رفقای باقیمانده مرکزیت بر
 اساس دیدگاه مهندسی و نقطه نظرات فرورداد آن بر تع با این جریان نمودند، ظاهراً بحران
 فردکش کرد. در مرکزیت باقیمانده و کاره های سازمان بر اساس تحلیل که رفقای
 مرکزیت سازمان از این جریان نمودند، یک بیج عمده علیه جریان بود که بنام
 'اخلال طلی' و "برر و الیبرانی" خوانده شد، کشیده شده و سازمان دوباره به یک
 استقرار نسبی دست یافت. در دوره کوتاهی از این بیج و استقرار نسبی که بر اساس
 نقطه نظرات موجود در مقدمه نشریه "ریشه بحث تحلیل رکورد، اخلال طلی و ... مقال
 شده بود، بر اساس فداست غالب رفقای رهبری و تقریباً تمام کاره های سازمان
 که این رفیق را می شناخته، یکی از رفقای مرکزیت در واقع رهبری مگری و امیدوار
 سازمان (از سال ۵۲ تا ۵۶) به شهرستان مسافرت نمود. * * * در این زمان
 * - این بحران ها نظیر که می بینیم این است که تا می بگلی دیگری دوباره این حرفت
 چرا که ریشه در تضادها و بن بستها و تناقضات اندیشه و عمل سیاسی و فرهنگی و ادراک
 حاکم داشت. بحران "اخلال طلی" که بنیاد است تحلیل شد در واقع قبل از هر چیزی سیاسی
 از جهت من علوه های جزئی بود که همین از زمانهای سیاسی و فرهنگی و ادراک حاکم بر آن
 چهارش شده بود، بیسیجی که علیه همین جریان بود ها نظیر که می بینیم بعد از مدتی
 مزد را محض کرده و سده اول را و اخراجات نه شده و سبب تحول بزرگی در سازمان
 * * - گویا سبب این سقوط را به تحلیل بر کردیم همین تجربه رهبری بود که هم بطرح شده و
 حتی مدتی قبل از آن این بحث صرفاً در رابطه با امنیت و حفظ این رفیق در سازمان مطرح بود.

در این نقطه ملی از اعضای رهبری سازمان باقری مانده بود. بعد از دو ماه از تاریخ سفر آن رفیق
 ملی از زندگای مسئول شهرستان با انتخاب سکونین در به اول سازمان که هم اکنون نیز از رفیق
 باقری مانده در تهران و هگلی در شهرستان بودند، بعد از آن ملی از اعضای مدت کمتری (تا مدتی
 کمتری) در کنار رفیق دیگر در تهران قرار گرفت تا سایل فکری و عملی انجام را رهبری کنند.
 طریقی که در آن موقع برای حل سایل سیاسی - استراتژیک سازمان و رفیقین کمتری بود
 نظر بود به این ترتیب بود که در رفیق که در تهران هستند بعد از سه الی چهار ماه به اتفاق رفیق
 از زندگای ملی که سکونین به شهرستان رفته و در کمپه ای که از ترکیب این رفقا با زندگای دیگر
 شهرستان تشکیل میداد، با سایل سیاسی استراتژیک سازمان، مواضع نسبت به مسئله و
 آینده و همچنین انتخاب کمتری بر فرد دستور* زمانه که رفیقین طریقی برود نظر بود (مراد ماه)
 هنوز سازمان بنفقه و یا نقده استقامت پیش سلمان نرسیده و بر پایه ای حکم که در این صحنه مانده بود
 نظر بود، ادامه کار کمتری، بر فرد استقامتی بانه نشسته و بر فرد با سایل آینده روشن کردن
 مواضع سازمان بجز در آن بود که سوالات منبرج در شهر و اهلی شماره ۲ رفیقین فکری
 دنبال میکرد. این دوره ها نظیر که هر روزه این هم زمان است با هم فرمان امتدادن لطفا
 نزدیک تمام، آرزویش ناکامی - نشینسی که که فکری دیگر در این اولیه آن از قبل
 روشن و برداشته شده بود) بر فرد استقامتی هم جانبی و در بدین نسبت به نشسته
 (*) - انتخاب شهرستان در رابطه با سایل استقامتی بود در نظر گرفته شده بود که امکان جمع
 فعال را برای حداقل ۲ تا ۳ ماه سکونین فراهم آورد.

۵
 که بتدریج بجزایر زنده و حیات نفس تبديل ميگردد. بسياري از ديگه گاهها، روشها و نقطه نظرات
 ما را با نيزه سوال قرار ميدهد. و بتدریج ما را با آن اندیشه غير توده اي که در ما پديد گاهها ،
 باورها ، شيوه ها ، آنگزشتها ، روابط درون تشکيلات ، سازماندهاي ، اصول تفکر کاري
 مبارزه ايدئولوژيک ، ... ارايه کاري و پناه ... تقوز راست ، رهنمون ميگردد.
 با ترميم شکلات روله عطري تا روشني بسياري از قضايای عدم آشنائي و کم ترين
 رفقا با همين اعمال بروز جريانات مختلف عيب و تدبير کارانه ، راست
 و غير اي ، فرصت طلبانه و انرژيکي ، که طبيعتاً با هم با هم گي سازماندهاي
 ماغايي گران تهران و از سرفرازي درجه ايران در اين زمان نادرست دانسته و بر آن پيچيد
 که تعينه سفره منين تدریفاً منتقم کرده و بجای آن طالع و ديگر کايياده کنیم. روشني
 اين طالع عبارت است از :

الف - علاوه بر سؤالات کله در باره خواهي نشسته و نقطه نظرات
 سياسي - اتمه آنگي که نشسته فردمان ، دستور عيب هاي آيينه ، رهي مليه سايل
 بدصورتها و مواضعي با که بايه سازمان نسبت به آنها وضع بگيرد بصورت مشخص
 و فزيکي تر در بعضي بر فرد انتقاري و تحليلي قرار دهيم. براي اساي بر فرد با
 سايل و در صورتها تکثير : مبارزه ايدئولوژيک درون تشکيلات ، مبارزه ايدئولوژيک
 درون تشکيلات ، گزندني بر فرد با فزده بورژوازي مذهبي ، " اعمال جلبي " ، علت
 اتردائي ما در جايده ، اتمه اتمه ، ساله رهبري ، فردگشي ، حيايت اتمالي و صيه و بر فرد با

زمینه‌های سازمان و ... در سطح فکری و فنی در فضایی که بگذرد مشخص در زمان
سابق که نشسته بودند ، بگذر که نشسته شد . * هدف از طرح این سال منسوخ شدن
نظم تقویم منتهی درون سازمان نسبت به این مباحث در روشن شدن تحلیل مسائل فوق

(* گوانتله ما تا آنکه زیاد می ، بر فرد فعال و تحلیل زنگا در بر این بالا نمودیم ولی بسیاری
از زنگا بر فرد فعال نسبت به این موضوع در آن مربع نمودند ، صرف نظر از جنبه های ایندو لورگیک
تصند ، هم بر فرد فعال زنگا در این زمینه ، در بسیاری از موارد در رابطه با تله نشین گروه
ضرورتی طرح بر فرد با سابق و نه داشتن زمینه لازم هم بود . مخصوص که اندیشه غیر توده ای
سستی فکری در این زمان واقعا آنطور که باید ، درک نشده بود ، تا در ادامه منطقی تهر آن مباحث
تک تک و تکرار های آن بود . زنگای و فکری اینها هم علیه هم است که انتقادات شنیده شد
بسیاری از مباحث نسبت به گذشته و سوالات بالا داشته ، ولی این انتقاد در این زمان
در زمان طرح این سوالات ، هنوز هم یک تصور دقیق و تحلیلی نرسیده بود ، با وجود این انتقاد
مشخصی با در نه ادون زمینه های فکری بیشتر و عدم طرح مباحث انتقادی بر فرد وارد است
با سیر استیم این مباحث و بر فرد تحلیل را با در اختیار نه ایدن گذشته هایی تغییر نرفته زنگا
زنگه ، برده ، مسگر و همچنین نرفته های K که در بسیاری موارد زمینه های فکری مناسب
بر فکا بدیده ، از آنرا نخواهیم . تا سیر استیم با بر فرد با جنبه هایی از مطالب در
کس این نرفته ها نه با آن مباحث نبودیم ، این نظرات را در بعضی بر فرد زنگا قرار بهم
ولی حکایت نظرات غلط گذشته در ما ، ارائه ملاحظه دار باورها و تقویم گذشته
نمی تجربه و عدم آشنایی با شیوه و اسلوب های نوین و روشی تکرار این از قسمت ویرالندی
سازمان در وضعی به بینی و بی اعتمادی در این مرحله (که هنوز هم مباحث مشخصی نرسیده هام)
ما را از این کار باز داشت . اینکه ما هنوز در مار و بود دیگر کارها ، سیر درها ، باورها و
نظرات سیاسی گذشته بودیم و با اینکه بر فرد زنگا نیز تقابل با در آمدیم همچون بر فرد با



با رفتن از نیت اینجا با درست داشتن این برهان و نتایجی که گرفته شده است
 به شهرستان برگردانده و بار نیت آنجا نیت تمام است که شده و آئینه هم بسبب دوری نبوده.

فردی که احتمال جلی و یا نیت نامی K ، احتمالاً با همان دیدگاه و روشی که نیت شده همان
 فرق می‌کند نمی‌تواند این سوره دانی نثرش را بیابد کی از جمله و نیت و قابل انتقاد
 که شده تدریس و ترجمه قرار ندهد. هم اکنون نیز اینطور نیت که با تصویر واقعی از سیک کار و
 سوره‌های دیگر است این روش درست داشته باشیم و ضمناً ابعاد و احوال و معانی و معنی
 دیگر استیسی که باید با سوره‌های سوره‌های شش بارزه ما باشد به کرده باشیم. انتقاد ما
 سوره‌های که نیت مخصوص و فعلیه این انتقاد است انتقاد و معنی و معنی و معنی و معنی
 نیت یعنی کف سوره‌های آئینه نیت و همین دلیل این احتمال که مادر آئینه و بطریق
 دیگری به احوال بتقیم همین بعد نیت. از این نظر باز هم ضرورت بر فرد و معنی، هر چه
 و عملی انتقادات که شده تناسب با تمام مسائل و سوره‌ها که شده و حال برای کف
 سیک کار آئینه لازم است. ولی البته این یعنی این هم نیت که نسبت است ما را
 بجز نباشد. علمیم ناشناختنی راه و ناپذیری مادر سیک کار و سوره‌های آن از آنجا که این
 نسبت بطور کلی در رابطه با نیت که شده صورت گرفته است یک سوره است که در آن
 که شده است هر چه که مادر آن چهار استباهات هم بریم که بنظر من در جریان و معنی
 کار و نیت را این پرسیده تجربی است و معنی بر فرد با استباهات بعدی بسیاری از مسائل و
 سوره‌ها باید حل و کف شود.

* * *

ج: - صورت جمله ها مضارع ، جمعیه بریا و سایل در دست این نسبت بعد از
 عدد و گماید بنظر رفقای تهران رسیده و نظرات متقابل آنرا به کزیت برگشته و سپس با
 جمعیه بی و بر فرودهای نظرات ، مواضع سازمان اعلام شود. در در در رهبری و انتخاب
 آن هم طریقی که طبیعاً این جمعیه ادب نظر رفقای سازمان رسیده و با توجه به نظرات انتقادی
 پیشین و دعای آنان ، در حد عمل در میانیه .

این طریقی بود که مادر استه ای جریان انتقادی تهران مورد توجه قرار دادیم و رئیس
 آنرا نیز به نظر رفقای همجوشی مسوول رسانده ایم و این رفتار در بعضی جنبین سایل بطور کلی
 بوده . *

در جریان پیشرفت سایل انتقادی در ضمن شدن بعضی از فطرت کلی و با فراهم شدن
 امکانات تکنیکی صرفت ، یکی از رفقای مرکزیت اینها به شهرستان سبزت نزد
 قرار برد که پس از هه الکترونیک تا دو ماه دیگر ، با فراهم شدن امکانات تکنیکی و

(*) - البته طریقی واقعی از طرف ما بنا بر همان اشکال تقسیم کردیم که نشانه فترتاً
 در جریان قرار دادن رفتار تقنایا بود . ضمناً به اساس این صورت مطرح کردیم که
 اینها تا رفقایی توانسته و باید در این طرح دخالت کرده و نظر موافق یا مخالف بدهند و نه این
 رفتار همین حتی برای فرد قابل شدن که نظر مخالف بدهند و این طرح را از قبیل بریدن آل بلنه
 این ساله بهر حال تصور و استنباط ما را از ذهنی دیگر استیم در این مرحله نشان میدهد
 باین معنی که از رفقایی فراهم که نظرات آن را در این جهت است با این تقنایا در ضمن گفته
 و این اصل طرح را تقریباً غیر قابل بحث میدانیم .

استحکام نسبی سازماندهی اینجا، رضیق دین نیز ساقوت نماید بعد از وقتن رضیق دانسته
 انتقادات گفته شده همفغان وسیع تر شد، بجز اینکه هم اکنون تقریباً بیاری از موضوعات
 و مسوالاتی که در آن مجموع در رد سؤال در ایام بود بجزر کلی روشن شده است. در همین
 رابطه و همچنین رسیدن به این انتقاد از سید در هی تقسیم گیری در گذشته که می باشد
 این قضایا را در سازمان طبع و بررسی نمائیم (مورد آن سالهاست که به اهمیت و
 قدرت آن دارد) و پسین وارد عمل شویم. هم اکنون بر آن شدیم که بر فردا آگاهانه تر
 جمعیتی می باشد که نموده در سالی و مشکلاتی را که با آن روبرو هستیم و طریقی و نظراتی که
 در بر فردا این سالی در رد نظر داریم به نظر رفتار ما نیستیم. تا زمانه نظرات، انتقادات
 و پیشنهادات فردا با توجه به واقعیتی می بود و سالی که با آن روبرو هستیم از آن گذشته.
 بدین ترتیب ما در شرایط هستیم که:

الف - تقریباً بیاری از مواضع، نقطه نظرات، انتقادات در اصل ترین نقطه
 آن نگاه در برداری از جزئیات در داخل، روشن شده است (این نشانه میتواند بیاری
 از مواضع انتقادی ما نشان دهد).

ب - تکلیف سالی انتقادی و اساسی است و ادامه کاری ما در زمینه
 قسمت تقریباً دین است که مستقیم به شکل رهبری درگزین آگاهانه سازمان
 کرده است.

ج- انجمن اخصای رقبی ^{رقعی} سزمان در شهرستان مستند.

د- از سزمان، تا شماره ۳ و برخی از مجله‌های شماره ۱، نوشته "مکتوب"

اولاً چاپ در تغییر و تحولات سازمان در سال ۵۲ "برای شهرستان پورساره شماره ۱۰"

باجنامه اینکه کمی از رقبای دیگر مرکزیت شهرستان سزمان سزانت نموده است (موضوع

این رفیق: موضوع رفیق سوال گفته سوال و جواب، دادگاه اس در شماره ۳،

سوال قبلی رفیق از سینه مقاله فرود کشتی است *

در برخورد با این ساین کوهی که در نظر است فعلاً از این قرار است **

و آثار رفیق فکری و عملی بخش داخل سازمان و از جمله هدایت در رهبری نشی و داخل

بر اساس بحث و صحبتی که با رقبای جدیدی سزوتی شده است برای اساسی قرار

گرفت. نظر رفیق تا زمانیکه سائل مرکزیت در رهبری حل شود، اساسی ترین

فکرترین ساین فکری و عملی سازمان در این مرحله تغییر بر فرود آبروها، فقط کار سزانی

تلفیق و تفکر آن، هدایت آرزویی سازمان یعنی نظر رفیق در یک یا دو جمع

ساده تلفیق (به تقضای شرایط اینتی صورت) که اخصای آن تقضای داخل

(* - بسیار از نظرات رقبای شهرستان در گزارش مکتوب منگن شده که در اختیار

رقبا قرار گرفته است.

** - در منبع شفاهی همین طراح نظر رقبای مشاهده رسیده.

با همی سئوین قرار داشته بر سه فراموشی . اما بنی ملاحظاتی که در این رابطه لازم
 به نظر می آید ؛ مسلماً ما نمی توانیم هم اکنون ادعا کنیم که زرقانی که در حرکت و یاد
 همی سئوین دستور سازمان وارد شده اند ، دقیقاً همین بر مصلحتی می آید بر لزوم
 سیاسی و تجربی آنها و بر اساس دیدگاه های عبیدمان است ، بلکه بر عکس ما تصور به تغییرات
 انقلابی ای که در تمام سئوین کارها ، دیدگاهها ، نقطه نظرات و باورها می باشد
 صلاحیت او بیشتر بودن و ... بوجود آمده است . سازمان می آینه ما می باشد
 این نظرم (یعنی از نظر جایگاه افراد) چهار تغییرات اساسی ای که ناظر بر حرکت
 افراد و نقطه نظرات کلیه زما و عملی حرکت آنها از این رفته بوده است ، مورد
 گیرد . در این جای شکی نیست ، اما در بر فرد با این ساله باید توجه نمود که می شود
 ضمنی و کنونی فیلدین عمل نمود و سازمان را از هم با سانه . این عنوان که در وضع
 زقا نطق بر مصلحتی می آید بر لزوم سیاسی و تجربی الان نیست ، ما نمی توانیم
 حتی حرکت فرد را در این زمینه پاره کنیم . * * * امکان دارد که بسیاری از موضوعات چهار

(*) - تغییراتی که در بالا از آن یاد نمودیم مربوط به جایگاه افراد است و نه تغییرات
 اساسی بلکه در سازمان می بر اساس سئوین وظایف فعلی باید بوجود آوریم . در مورد افیر
 تردیدی نیست که به فرض آنکه فقط کلی آن دقیقاً روشن شود باید آنرا چهار تغییرات
 اساسی و بنیانی کنیم ، در این مورد دیگر کمتر تغییرات تدوین می خواهد بود .

تغییر شود، زنگنه ارتقاء یابند و زنگنه دیگری سوزنی ریان تنگ یابند. ولی این
 حرکات و تغییرات را نمی توان ضربتی پیاده نمود، بنظر ما رابطه ابایی حلقه اعلی
 را که همان قفسه ریه می باشد همیشه و بعد از آن سینه به بعد آورده که وضع
 فرد با سوزنی در رابطه با دیگر گام های جدید مادر یک رابطه کامل اگر گام یک
 قرار گیرد. در ضمن حال که باید از هم اکنون هم وضع هر رفتنی که برای آن وقت
 و موافقت در این مرحله دقیقاً روشن شده است تناسب با صلاحیت این فرد در
 سیاسی و تجربی او و برای تعیین معیارهای فردی سازمان داده شود. بدین ترتیب
 بنظر ما باید در ضمن اینکه کوشش کنیم بر اساس دگاه های جدید و با حالت رفقا

از جمله نبل (***) - از این نظر ماری این نکته را گوئیم که در وضع طرح کمیته مرکب
 از افراد از سبب و افراد همی شود و با منتخب آنان برای برض از رفقا مطرح شده
 بود که افراد جمع این جمع یک فن مستند و صلاحیت آنان را فیلتر از طریق کنیم. اینکه
 در سازمان رفقای باشند که در جمع از نظر ایدئولوژیک و سیاسی و سازمانی، تجربی
 صلاحیت بیشتری داشته باشند با هیچ وجه تفسیری نمی کنیم ولی هم اکنون راه حل قفسه و بر فرد
 عملی با سائل حیثیت؟ آیا می شود که چیز را ضربتی بهم رویت باین عنوان که رفقای در
 سازمان هستند که ممکن است صلاحیتان بیشتر باشد و با اینکه نظر از اصولی است که از
 یک مرحله در وقت که در آن اساساً تناسب و در رابطه درون و کمیته هائیکه سابق
 است و تجربین کمیته برای تضام و آرا و شیخ رفقای همی شود که در حال
 بستی بر نظرات سوزنی و کار در های سازمان هستند انتخاب شده است، ما ساله
 راجع کنیم و یا ... ؟

تغییرات لازم را بر اساس همکارای وظایف فعلی وجه تغییر و تبیین رفتار سازمانی
 فعلی به هم. ولی بازم نقطه غمیت ولیت فردان را اصلاً عمدتاً از همین وضع فعلی
 قرار بدهیم تا با تکیه بر در حال کنی انتخاب کرنت در زمین شدن مواضع سیاسی استراحت
 سازمانی، تترکه حلقه اصلی حل بسیاری از مسائل مادر این مرحله و دیگری ایجاد کرنت
 دیگر استیک در بر خورد با تمام مسائل سازمانی و تعیین نرخی هموار و حتی آسین نامه کار
 سازمانی تغییر در سازمانی آنگاه این مرحله از این صفت هم استوار می‌بیم.
 اینکه انتخاب کرنت ضروریست و ضابطه‌های هر یک سورت و سورتن صورت
 بگیرد و به دلیل اینکه ضابطه از فردان رفتار هم صلاحیت بدون دای هر دو رانه است
 و کارهایی با شنه که صلاحیت شان بیشتر از آنها باشد، کرنت را هم ممکن است
 تا اندازه ای فدره دار کنه، این امر سهل و ممکن است ولی بنظر ما در بر خورد با مسائل
 این مرحله ما نمی‌توانیم بنا بر شکل ایده آل و آینه هنری نگار کنیم بهترین در شرایط محلی
 در شرایطی که سیر بریم انتظار ایجاد یک دکتر و سبع و سایت با تله می‌داریم
 گسختگی سازمان، ما نمی‌توانیم که این ایده آل ترین شکل کار است ولی می‌توانیم
 بین نا طوب و دبتر، نا طوب و می نطقه و طبیقاً درست را انتخاب کنیم،
 در همین را هم بن احمال بروز برف نواقص واستبعاب و تیرل آن - که اگر شکل

بلاخره با اصلاح سبک کار و تعیین ضوابط و اصول کار و کنترل از پائین بوسیله نقطه نظرات
 و مواضع رفقا باشد بترتیب فکر کنیم کامل و یا بر طرف مورد - و بلیستوسم و آمار
 و از هم پائین می سازیم ، اولی را انتخاب کنیم . نکته دیگری هم که در این رابطه قابل
 ذکر است اینکه در این مرحله بفرمان باید این صلاحیت های ایدئولوژیک می - سی -
 سازمانی رفقا باشد که تفوق نبی آنها را بر سایر رفقا و اعزاز سرگشتگان را بطور
 نبی در یک تیم ، در یک شاف و بطور کلی در سازمان تعیین کند . مسلماً با ایجاد رفقا
 تازه و سیستم هم به در روابط درون سازمانی اینکه این سرگشتگان نخواهد به اختیار
 ادرسیه سازمانی اعمال شود ، و نیز که کم و بیش در گذشته شاهد بودیم - نیز رفتنی
 نمی تواند باشد و فردانی سیستم چنین چیزی را این میزند که اینگونه در مرحله گذشته هم
 طبیعتاً و بصورت شایه فرد بخودی در رابطه با نقطه نظرات سنی و کارهای
 های خاص آن چنین چیزی اعمال می شد ولی در رابطه با همین سنی و نقطه نظرات
 غیر توده ای آن هم همگونی کمتری از پائین و پورته است و این نمی توانست و هر
 داشته باشد و این یکی از آن عوامل است که هم اکنون ما می توانیم بروی آن
 تکیه کنیم تا در جریان پیشرفت کار صلاحیت های نبی ایدئولوژیک میساک و تجربی رفقا
 کنترل و نظارت و کنترل کارها هم قرار گیرد .

نکته با این توضیح به نظر ما در این مرحله گذار اینکه هم اکنون رفقای در جمع ،
 از یون اتحاد سنیان پیشکار در راه ارادی طبقه کارگر
 در گرد هم ، در جمع ای می شود www.peykar.org می شود و دقیقاً

سازمان داده نشده باشند، مقاله مهمی نمیتواند ایجاد کند . همانطور که گفتیم ما نمیتوانیم ضمن حرکت خود را پاره کنیم ، ما چهارا بایستی بتدریج بر سازماندهی آگاهانه مسترار یابیم ، همانطور که از هم اکنون متناسب با این تغییر دیدگاهها و پیمان شدن ضوابط و نیروهای نوین وارد عمل میشویم .

۲ - بسیاری از رفقا خواهان این بودند که موضع رفقای مرکزیت در ر ^{انتقاری} قبال جریانات فکلی چه بوده است ؟ در توضیح این امر ابتدا لازم میدانیم که مواضعی که در این نشریه منعکس است مستقیماً تحت هدایت و رهبری فکلی بخش داخل است . از این نظر بخش داخل میگوئیم که ما دقیقاً از مواضع همه رفقای شهرستان در زمینه های مورد بحث در این نشریه بی اطلاع هستیم ، و طبیعتاً از آنجا که نظرات بخشی از سازمان و رهبرش در آن منعکس است ، نمیتوانیم و نباید فعلاً نظرات تمام رهبری و افراد سازمان تلقی کنیم ، به محض اینکه نظرات رفقای شهرستان در مورد مسائل بطور کلی و همچنین نسبت به مواضع مندرج در این نشریه بدست ما برسد ، آن را به اطلاع رفقا خواهیم رساند . بنابراین مطالبی که در این نشریه منعکس است علاوه بر اینکه مسئولیت مقالات آن **** مستقیماً** به عهده رفقای نویسنده آن است ، منقول است و کنترل رهبری جریان مبارزه باید طولانی و هدایت کلی نشریه به عهده رهبری فکلی بخش داخل نیز هست ، و رهبری این بخش مسئولیت هدایت این نشریه و طبیعتاً انتقاد آن

****** - منظور مرکزیت موقت تهران است . مواضع رفقای شهرستان همانطور که گفته شد در مدارکی که در اختیار رفقا قرار داده شده است مشخص میباشند .

****** - بسیاری از نظرات رفقای شهرستان در "آزادش به خلق" و نامه به تهران که بعداً به دست ما رسید منعکس شده است که در معرض برخورد رفقا قرار دادیم .

وارد بر آب را صید بود . اینکه این مشکل کار تا کی ادامه پیدا خواهد کرد ، همانطور که در مطالب قبلی مطرح شد ، مسلط بستگی مستقیم به حل مسائل کلی تر و اصلی تر ما در داخل است . آله رهبری سازمان پیدا کرده است که هم اکنون اصلی ترین وظیفه ما را تشکیل میدهد .

در مورد گذشته و در دوره شش ماهه قبل ، رفقای مرکزی هم همانند دیگر رفقا در این جریان شرکت داشتند . اینکه چه نقشی در این جریان داشتند ، پیشرو بودند ، خود بخشی از این جریان را تشکیل میدادند یا بقول برخی از رفقا سد و طامع این جریان ، مسلط بایستایی مبتنی بر مدارک مشخص و واقعیت های موجود و مجموعه عطرکرد و حرکت سازمان در این دوره قضاوت و برخورد نمود ، خط کلی آموزش این مرحله گرچه در مواردی نظیر ترکیب مطالب و کنترل نشریه ۳ و ۴ ، مستقیماً تحت کنترل و رهبری رفقای مرکزیت قرار نگرفته بوده است ، ولی به هر حال در رابطه با موانع مختلف رفقای مرکزیت و دم پنین چگونگی عطرکردشان - در رابطه با کنترل و هدایت آموزش - بوده است . از این نظر طبیعتاً در مجموع مسئولیت کلی همین نشریه هم به عهده آنان قرار میگیرد .

و اما صرف نظر از چگونگی حرکت سازمان و چگونگی کنترل و هدایت مبارزه ایدئولوژیک در این دوره که حرکت آن در مجموع و در رابطه با مجموعه مسائل ما در این مرحله باید مورد توجه قرار گیرد ، مواضع و نقطه نظرات رفقای مرکزیت بصورت مشخصی ، همانند دیگر رفقا در این نشریات منعکس شده است و می توان گفت دو جریانی که در نشریه ۳ و ۴ انعکاس یافته است ، دیدگاه های مختلفی که در روزه های مختلف سیاسی ، ایدئولوژی و سازمان ، نقد مبارزه مسلحانه ، خوردکنی و دفاع مسلحانه ، برخورد با دیکتاتوری و اجتناب ناپذیر و یا اجتناب پذیر بودن رفوم سیاسی ، رژیم انعکاس یافته است علاوه بر انتساب این نقطه نظرات به رفقای طرح کنندگان آن که در مواردی از آن نظرات مستقیم این رفقا بوده است .

بوده است. در کلی ترین شکل خود مستقیماً در رابطه با نقطه نظرات و دیدگاههای مختلف رفقای موزکوی نیز بوده است. این مواضع بخصوص در نشریه شماره ۴ علی‌رغم آنکه مرزبندی مشخص نشده است، مقطعی از روند دوره انتقادی، بصورت نامه های متبادله و یا اختلاف مواضع بر سر چگونگی برخورد با نظرات رفیق نویسنده خود کشی منعکس شده است.

* * *

۳- و اما در مورد انتقادات وارد بر نشریه ۳ و ۴ دو شماره جای آینده جمع بندی این دو شماره خواهد آمد. اولین و مهمترین انتقاد وارد بر آن همان بود رهبری فکری و هدایت از طرف رهبری و مرکزیت بوده است، گو اینکه به هر حال جمع شماره ای که نشریه را هدایت میکرد داشت، تحت مسئولیت مستقیم یک رفیق مرکزی بوده است، ولی هدایت و بدست گرفتن مسئولیت مستقیم نشریه مستقیماً نه بوسیله این رفیق صورت گرفته بود و نه طبعا تمام مرکزیت داخل در این مرحله، از این نظر در درجه اول این انتقاد به مرکزیت وارد است که مستقیماً نشریه را تحت کنترل و هدایت خود در نیاورده است. در مورد این انتقاد پس توجه به مطالبی که در مورد طرفین رفتن به شمشیرستان مطرح شد، هم اکنون میتوان بصورت مشخص تری آنها بیان کرد. مسئله ظاهراً به این شکل نبوده است که ما میخواستیم از زیر بار مسئولیت نشریه داخلی طفره برویم، با توجه به طرف و برناهی که مورد نظر بود، چنین کاری، یعنی بدست گرفتن مسئولیت نشریه داخلی بدست عناصر مرکزی سازمان خیلی موقتی بوده و علی‌رغم اینکه چند بار هم ضرورت آن مطرح میشد، ولی با زعمد تا به دلایل توجه فوری تر به مسئله نشست مرکزیت و روشن کردن مواضع سیاسی - استراتژیک سازمان و طرحی برای تعیین مرکزیت سازمان صرفاً بر اساس نقطه نظراتی که تا آن موقع حاصل آمده بود و یا ارائه میشد - که البته این نظرات هنوز پخته، تثریزه و مشخص نبود - این وظیفه جنبه فوری و حاشیه ای بخود گرفته و توجهی به آن نشد. آنچه

که بخصوص ما را دچار چنین تناقضی میکرد ، طرز تلقی ما از روشن شدن مواضع انتقادی نسبت به گذشته و ندیدن این ضرورت که این مواضع - که روشن نبود - قبل از اینکه در نشست مرکزیت روشن شود ، باید پروسه لازم توده ای خود را بگذراند ، شکل بگیرد ، پخته شود و سپس تشریح ، جمع بندی و نتیجه گیری شود . ما ظاهراً چنین تأکیدی بر ارائه نظرات و مواضع انتقادی رفقا داشتیم و حتی ضرب الاجل تعیین کردیم ، ولی هم اکنون با توجه به پروسه ای که گذراندیم روشن میشود که آن مواضعی که ما خواهان آن بودیم ، نمیتوانست مسئله ای را حل کند . در مقدمه نشریه داخلی ۲ با توجه به سئوالاتی که آمده است ، از رفقا خواسته میشود که نظرات و مواضع خود را هر چه زودتر (حد اکثر تا سه هفته) روشن کرده تا مسئله اعلام مواضع که حلقه اصلی حل مسائل ما به شمار می آید ، حل گردد . هم اکنون برای ما روشن است که مسئله اعلام مواضع و برخورد با معضلاتی که در مقابل خود داشتیم کار سه هفته و یکی دو ماه نبود و ما باز میخواستیم مسائل را ضرتی حل کنیم . هدف طری این سئوالات و سپس آن سئوالات ریزتر و مشخص تری که بعداً بصورت شفاهی در اختیار جمعهای مشورتی قرار داد شد و جواب خواستن از آنها بدون اینکه این مسائل پروسه لازم خود را بگذراند و پخته شود ، مسئله ای را حل نمیکرد . این که مواضع سازمان روشن نبود ، اینکه اعلام مواضع کلید حل مسائل درونی و بیرونی ما بود ، اینکه بسیاری از مسائل سازمانی ما موقوف و ضرور به حل این مسائل هستند و اینکه . . . تمام این مسائل است ولی تا اینها یک جنبه مسئله را تشکیل میداد ، جنبه دیگر آن بود که هم اکنون این مسائل چگونه و در طی چه پروسه ای حل شود . در صورتیکه چنین پروسه نادیده گرفته شود و بخواهیم از روی آنجهیم ، مسلماً نمیتوانیم به مواضع تحلیلی روشنی از انتقادات گذشته برسیم . به هر حال ضرب الاجل تعیین کردن ما برای ارائه نظرات و مواضع که چندین سال بر بخش عظیمی از نیرو

مبارز صلیک بود و خود مان نیز در مرکز آن فوطه میخوردید. نشان میخوردید
 که ما هنوز در این زمان تصور روشنی از انتقادات گذشته نداریم، بسیار بی
 از ضوابط ما را نمی بینیم و یا خیلی کلی و نامشخص و طبیعتاً نامرئوس است
 می بینیم، در همین رابطه هم به تشویق داخلی به مثابه ارگانی که میبایست
 وظیفه به جریان انداختن نظرات و مواضعی را داشته باشد که هنوز شکل
 و انبجای مشخص به خود نگرفته است و میبایست در یک پروسه لازم به توضیح
 روشن، مستدل و هدف جانیه ای برسد عمیقاً نگاه نمی کنیم و نتیجتاً بهای
 لازم را به آن نمی دهیم. گو اینکه بخش اول این وظیفه که همانا به جریان
 انداختن نظرات و مواضع نامشخص باشد، بطور کلی روشن بود ولی از
 آنجا که خود ما درک همه جانبه و دقیق نسبت به «موضوع انتقادات گذشته»
 در این مرحله هنوز نداریم - ضرورت پروسه پخته شدن این مواضع را نمی بینیم.
 بدین ترتیب ما قبل از اینکه مسئله آموزش و مسئله تحقیق و بررسی از درون
 کار توده ای، جسمی، و تحقیقی را مورد نظر قرار دهیم، مسئله رسیدگی
 فوری به مواضع سیاسی - استراتژیک سازمان، رسیدگی فوری به مسئله
 مرکزیت سازمان را مورد توجه قرار می دهیم، بدون اینکه توجه کنیم که جل
 همین مواضع سیاسی - استراتژیک سازمان و رسیدن بدارک درست، همه
 جانبه و عمیق از مسائل مرحله، یک دوره کار مشخص تحقیقی - تئوریک و
 جمع بندی انتقادی از درون کار توده ای لازم دارد. این و آن انتقادی
 بود که به مرکزیت در این مرحله در عدم توجه به این وظیفه اساسی وارد
 بوده است. انتقاد دیگر به آن جریان فکری و ایده تئوریک ای است که
 عملاً هدایت فوری تشویه ۳ و ۴ را بعهده داشته است، جزایانی که
 به بهترین و بهترین وجهی عطف و وفاداری برای اولتراجایی که هم اکنون
 به زیر انتقاد کشیده شده است، بود. و تلاش همه جانبه ای در جهت
 احیای شیوه تا و روشهای تئوریکاتوری اولتراجایی نموده بود. این مواضع
 مواضع مرکزیت نبود، ولی بی ارتباط هم با نقطه نظرات موجود در مرکزیت
 و همچنین عطف های نامرئوس فکری مرکزی در هدایت آموزش و مبارزه

ایدئولوژیک نداشته است. از این نظر مستقیماً مسئولیت اصلی را مرکزیت به عهده میگیرد. جمع‌بندی این دو شماره چه از نظر روش شدن مواضع و عملکرد های رفتاری مرکزی در ارتباط با نشریه داخلی و چه از نظر برخورد با نظرات گروه نشریه، در شماره های بعدی نشریه داخلی آورده خواهد شد.

در برخورد با جریانات موجود انتقادی و مشکلات و معضلات موجود در ما گاه با برخورد ها و نظرات و شیوه های عجولانه، کم ظرفیتانه و در موارد فرصت طلبانه برخورد میکنیم که عملاً ترحیمی مسئولانه نسبت به حفظ حنر المقدور یکپارچگی و وحدت سازمان ندارند. و با روحیه ای منفی و انتقام جویانه زمینه تنگت و پراکندگی را بوجود میآورند. همانطور که در برخی از مقالات این نشریه آمده است مسئله ما هم اکنون تنها انتقاد آهیم انتقاد نامشخص و بی در و دروازه نگذاشته نیست آنچه مهم است چگونگی و ماهیت این انتقادات و هدفی است که از این انتقادات مورد نظر داریم و این جنبه قضیه است که جانبدارین سازی و سازندگی مرحله بعدی را بدنبال دارد. برخورد های فردی و تصفیه حسابهای فردی با گذشته نمودن افراد را از پایگاه اجتماعی انحراف گذشته جدا نمودن و در این رابطه فرصت طلبانه خود را از پدیده مسئولیت انحراف گذشته مبری دانستن، فرد را بجای طبقه گرفتن، اینها هم پایگاهها نیستند از آن می تواند گذشته انتقاد شود. این انتقادات ظاهراً ممکن است در ابتدا خیلی درست و حق بجانب جلوه نماید، ولی فقط ظاهراً بینگینی انتقادات و انحرافات گذشته هم اکنون خود پوشش بسیار فلسفی می تواند برای مخفی شدن چنین پایگاههایی بشود. ولی اگر به صورت نسبتاً درستی از انتقادات گذشته بصورت تعویضی تا مثل نشویم و در ابتدا کوششمان را قبل از هر چیزی صرف یک بررسی منفعت جویانه از انحرافات و انتقادات گذشته در یک کل منجم نمائیم، آنوقت بی مایگی - که تا اینجا مسئله مهمی نیست - و جلوتر از آن عضو

یک گمانه بر سر گذاشته بودن اینچنین انتقاد اتی ابخونی روشن میشود. در از طرف دیگر آن
 عصبه بیرون دسته از زلفا که عملات توجهی به برخورد عطی با مشکلات ندا رند ، مشکلا
 حضور و احوالی را که بهر صورت تا اندازه زیادی صراحت تفکر و شیوه های گذشته
 انتقاد است نمی خواهند ببینند و صرفا بر اساس تعیلا نشان که می خواهند
 چنین باشند و چنان برخورد های عجولانه میکنند ، باید توجه کنند که
 در برابر ما از چه احمق سباهی تازه بیرون آمده ایم و چه بیند های گرانی هنوز
 بدست و پای خود داریم و چه کار و کوششی مثبت و صحتوار و پیکرانه ای
 در این راه برای پیروزی دستاورد هایمان انجام ندیم . ما نمی گوئیم که
 همه چیز بر وفق مراد است و نمی گوئیم در برخورد با مسائل و مضامین
 و انتقاد برادری بر ما وارد نیست ، خیر هرگز چنین ادعائی نمی کنیم
 در برابر حرفه یا اینست که با مشکلات و نارسائیهایی که بهتو حال برخورد نمود
 انتقاد آنها را بعنوان واقعیت پذیرفت ، برخورد سازنده و مثبت نمود و نه
 منفی و مخرب . اگر بهر دلیلی امکان برخورد عطی بر ایمان فراهم نیست
 حداقل اخلاقی و کارشناسی نکنیم و حتی المقدور و تا آنجا که مشکل
 کارمان اجازه میدهد ، کطک نمائیم تا مشکلات حل بشوند .
 در برخورد با مسائل و مضامین کثونی انتظار صجزه داشتیم ،
 ضرورت گذراندن پروسه لازم این تحول و درنگولی را ندیدیم ، انتظار
 تغییر کون فیکونی داشتیم ، با دیدن نارسائیهایی تخم بی اعتقادی و بد بینی
 را کاشتن برخورد منفی و مخرب با قضایا و مشکلات تحولون جریان عمومی
 تحول را ندیدیم و خود را محور پنداشتیم ، با کم ظرفیتی کودکانه ای
 خود را مانع همه انگاشتن ، با ایمان اندیشه و عهد گذشته به " مبارزه
 اید بولویک " ادامه دادن ، با انتقادات و شیوه ها و برخورد آنها رفتی
 چهره " چپ " بخود گرفتن ، اینها جلوه های دیگری از همان بینش
 و ایدئولوژی ، شیوه ها و روشهای گذشته است که شاید تصورش برای
 رضائی که خود را دیگر عاری از مسائل گذشته می پندارند ثقیل باشد .
 ولی متأسفانه واقعیت دارد ، شناخت این جلوه از انحراف و آنارشیم

در حال حاضر از آنجا که خود را در پوشش مبارزه با آناشسیم و اولترانچپ
مغش می نماید و چهره فریبنده ای بخود میگیرد و لازم است و چنانکه
این قبیل رفتارها و اقدامات آگاهانه و اطلاق اینکه در یک جریان فرصت طلبانه
قراری بگیرند که هدف اصلی آنها نبوده و وحدت و یکپارچگی حق المصداق
زبان است و به راحتی وجود دارد و بنابراین ما از کجورنگ دعوت میکنیم
که با شناختن این حواضات ایدئولوژیک گذشته و عطف کردن آن کوناژوسی
که در تمام پهنه های سیاسی و سازمانی و براتیک سنگین سی کسسه
داشته ایم و با تمام جلوه های آناشسیم بمقابله برخیزیم. بنظر ما
فقط و فقط و تمیق چنین شناخت و درسی آموزی عظیم از انحرافات گذشته
و بخصوص شناخت عمیق مبانی ایدئولوژیک آن - اینده آلیسم چپ
روشنفکران - است که می تواند ما را از انحرافات گذشته صون بدارد.
ما بدلیل اهمیت این مسئله و بخصوص از آنجا که تا بحال در کنار بوخورد
با اولترانچپ با چنین انحرافی و باین مشکل از آن ~~تلاش~~ برخورد نشده
است و نمونه های از این برخوردها را در شماره های آینده نشریه
داخلی خواهیم آورد. نکته دیگری که بخصوص در این رابطه قابل ذکر
است اینست که وجود مبارزه ایدئولوژیک و مبارزه مابین دو مشی همواره
در هر سازمان و حزب کمونیستی نه تنها امر غیر طبیعی نیست و هر قدر
از اینکه چه خواهیم و چه نتوانیم این مبارزه وجود دارد و لازم وجود
و حیات تکاملی سازمان و حزب هم هست و وقتا باید توجه کنند که وحدت
گذشته بهین وجه نمی تواند ملاک قرار گیرد و این وحدتی بود که تنها
اندازه زیادی متکی بر جهل و تکلیف و همچنین سرکوب نظرات دیگر
بود که صائی ایدئولوژیک ^{از این} ضعیف ^{تر} زمینه اصلی بود و که جز ناپودی
استعدادها و نیروها هم شود ای نمی توانست داشته باشد و انعطاف
وجود وحدت یکپارچه تمام و کمال آنهم در این مرحله از جنبش کمونیستی
ما که در دایره روشن نظران جدا از توده در میزند و انتظار عیش است
(این صا که در سطح جنبش هم اکنون بعنوان یک واقعیت وجود

داورد) بنابراین در برخورد با مسائل و نقطه نظرات و انحرافاتی هم که بنظر می‌رسد، همواره باید با توجه به همان واقعیت وجودی خارجیش برخورد نمائیم و نه بر اساس نیست‌انگاری، این طرز نگرش اساساً در مقابل انتقاد یا بینش "چپ" قرار می‌گیرد و می‌تواند راه‌حلهای عملی خود را هم پیدا نماید. بهر حال منظر آیتست که مسئله مبارزه آید فلولویک درون تشکیلاتی و مبارزه بین دومی را در سازمان باید بتوان یک جریان طبیعی و درعین حال ضروری بلجید دید و با این نگرش باید با آن برخورد نمود که هدفش در درجه اول در خدمت ارتقاء کیفیت و چگونگی مبارزه با دشمن باشد و در ارتباط مستقیم با آن باشد و نه امری مجرد از آن که متأسفانه سالها در گرداب آن بودیم، مرزندی تشکیلاتی هم در برخورد با انحرافات و نظراتی که بنظرمان درست نمی‌رسد باید با توجه به تمامی مسائل موجود در جنبش کمونیستی، مرحله آن، و فورمول وحدت‌تجزیی آن بطبیعی صورت گیرد. بهمان دلیل و بهمان میزان که گاه ایجاد یک وحدت صوری فقط سبب اتلاف نیروها و انرژی‌ها می‌شود، بهمان دلیل و بهمان میزان هم گاه هر گونه مرزندی تشکیلاتی‌ای که مجوز از مسائل کلی جنبش کمونیستی و بدین واقعا یک اختلاف آید فلولویک سیاسی مشخص که جمع شدن را در یک سازمان یا حزب ممکن سازد، متقابلاً به تفرقه و جدائی بیشتر هسته‌ها و نیروهای جنبش کمونیستی می‌انجامد.

ملاحظات کلی در مورد نشریه

نوشته‌ها، مقالات و جمع‌بندی‌هایی که در نشریه بیاید، همواره مطالب و نقطه نظرات مندرج در آنها معنائی متواضع‌مان نیست. ما نه می‌توانیم و نه صحیح میدانیم هم اکنون نسبت به هر گونه اظهار نظر، هر گونه مسئله و هر مطلبی که در این نوشته‌ها منعکس می‌شود اظهار نظر کنیم. وقتی مقاله نوشته و جمع‌بندی‌ای درج می‌شود، طبعا در رابطه با خط‌کلی آموزش مرحله بوده و در مجموع عقیده تشخیص داده شده است. مسلماً اگر

مسائلی مطرح شود که که از نظر ما حتما لازم به برخورد باشد، با آن برخورد خواهیم کرد و موضع خودمان را بطور کلی نسبت به آن روشن خواهیم نمود. چیزی که در اینجا مورد نظر است برخورد با جزئیات و مسائل و نقطه نظرات گوناگونی است که در حول و حوز محور اصلی یک نوشته میآید، که طبیعتا برخورد با آن ها بخصوص در این مرحله از عهد ما خارج است و اقدام به چنین کاری ما را به خرده کاری خواهد کشاند. بخصوص اینکه این نقطه نظرات در صورت برخورد های انتقادی کلیه رفقای سازمان نیز قرار خواهد گرفت. همچنین گاه مسائل نسو، پیشنهادات تازه و تحلیلهای گوناگونی مطرح میشود که ما صرفا در ابتدا برای طری آن در نشریه آن را لازم میبندیم و لازم نمی بینیم حتما نظرات خودمان را در همان موقع که ممکن است نظری نداشته یا نداشته باشیم - بیاوریم که این امر را در موقع طری مطالب اشاره خواهیم کرد. نکته دیگری که در برخورد با مقالات نشریه باید توجه نمود تاریخ نگارش آن است. در این مدت حرکت و جریان انتقادی طهری بوده است که زمانیکه نشریه بچاپ میرسیده است و در اختیار رفق قرار میگرفتنده است، برخی از مطالب آن حتی از نظر خود نویسنده شاید گفته شده و مورد تجدید نظر قرار گرفته و یا بطور کلی عقب تر از جریان روبه ارتقاء انتقادی بوده است.

از این نظر رفق به تاریخ نگارش این مقالات توجه کنند. در برخورد با این قضیه در آینده باید تدابیر دیگری در مورد برخی از مقالات و نوشته ها که باید زودتر بدست رفق برسند اتخاذ کنیم. اواخر فروردین ماه ۵۷

لازم بیاد آوری است که این مقدمه در اواخر فروردین ماه تهیه شد و بعدا با رسیدن مواضع رفقای شهرستان توضیحات و تفسیراتی در آن صورت گرفته است.